

عنوان: تحلیل رابطه استقلال شخصیت زن با اذن شوهر در آموزه های اسلامی

استاد راهنما: سرکار خانم لیلا یعقوبی

نویسندگان: سمیرا سبجانی کله امیری، مریم شیرازی، فاطمه فرصت صفایی

مدرسه علمیه امام خامنه‌ای رحمة الله علیه

چکیده

مسئله استقلال شخصیت زن و حدود آن در رابطه با اذن شوهر، از جمله موضوعات چالش‌برانگیز در مطالعات اسلامی معاصر است. این مقاله با هدف تبیین مبانی اسلامی استقلال شخصیت زن و تحلیل حوزه‌های نیازمند اذن شوهر، به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع قرآنی، فقهی و روان‌شناختی، به واکاوی این مسئله می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اسلام با به رسمیت شناختن استقلال مالی، حقوقی و عبادی زن، کرامت ذاتی و اهلیت کامل او را تصدیق کرده است. با این حال، در برخی حوزه‌ها مانند خروج از منزل، تصرفات مالی اثرگذار بر خانواده و اشتغال، با هدف حفظ نظم خانوادگی و مصالح جمعی، اذن شوهر شرط دانسته شده است. این احکام نه نافی استقلال زن، بلکه ناظر به تعادل میان حقوق فردی و مسئولیت‌های خانوادگی است. مقاله با ارائه الگوی «استقلال در چارچوب مسئولیت»، بر ظرفیت فقه اسلامی برای تطبیق با شرایط زمانه از طریق مکانیسم‌ها مانند شروط ضمن عقد و اجتهاد پویا تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: استقلال شخصیت زن، اذن شوهر، فقه اسلامی، حقوق زن در اسلام، کرامت انسانی.

موضوع استقلال شخصیت زن و حدود آن در تعامل با نقش همسری، از دیرباز کانون توجه اندیشمندان حوزه‌های دینی، حقوقی و اجتماعی بوده است. در نظام حقوقی اسلام، اگرچه زن به عنوان موجودی دارای کرامت ذاتی و اهلیت کامل شناخته شده، اما در عین حال، احکامی وجود دارد که در ظاهر، محدودیت‌هایی را برای وی در چارچوب خانواده قائل می‌شود؛ از جمله لزوم اخذ اذن از شوهر در برخی امور. این مسأله در عصر حاضر، با طرح پرسش‌هایی از سوی جریان‌های فکری مختلف، به ویژه با ظهور خوانش‌های فمینیستی از متون دینی، به چالشی جدی تبدیل شده است.

در خصوص این موضوع، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. در حوزه مطالعات فقهی، آثاری مانند «نظام حقوق زن در اسلام» شهید مطهری و «تحریرالوسیله» امام خمینی، به تبیین نظری احکام مرتبط با خانواده پرداخته‌اند. همچنین، پژوهش‌هایی مانند «زن در نگاه فقه اسلامی» اثر زهره آیت‌اللهی و «حقوق و تکالیف زن در اسلام» عبدالکریم زیدان، به بررسی فقهی مسائل زنان اهتمام ورزیده‌اند. از سوی دیگر، در حوزه مطالعات انتقادی، آثاری مانند «جنس دوم» سیمون دوبووار و تحقیقات فاطمه مرنیسی در نقد patriarchy دینی، رویکردی نقادانه به ساختارهای тради داشته‌اند. در داخل کشور نیز پژوهش‌هایی مانند «درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام» زیبایی‌نژاد و سبحانی، تلاش کرده‌اند تا مبانی اسلامی شخصیت زن را تبیین نمایند.

مقاله حاضر با آگاهی از پژوهش‌های پیشین، در پی ارائه تحلیلی جامع و متعادل از مسئله استقلال زن در اسلام است. رویکرد این مقاله، عبور از تقابل‌های معمول بین دیدگاه‌های سنتی و منتقدانه بوده و با بهره‌گیری از روشی بینارشته‌ای، به تحلیل همزمان مبانی فقهی، فلسفی و psychosocial احکام مرتبط با اذن شوهر می‌پردازد. نوآوری این تحقیق در ترکیب مبانی اسلامی با یافته‌های علوم انسانی معاصر و ارائه الگویی تحت عنوان «استقلال در چارچوب مسئولیت» است.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که: «مبانی اسلامی استقلال شخصیت زن چیست و فلسفه شرطیت اذن شوهر در برخی حوزه‌ها چگونه تبیین می‌شود؟»

برای پاسخ به این پرسش، با روشی توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع قرآنی، روایی، فقهی و نیز یافته‌های علوم انسانی معاصر، به بازخوانی این موضوع پرداخته می‌شود. هدف نهایی، ارائه تصویری متعادل و منطقی

از جایگاه زن در نظام خانواده اسلامی است که هم کرامت و استقلال او را پاس دارد و هم به حفظ کانون خانواده به عنوان نهادی اساس یافته بر تعاون و مسئولیت پذیری متقابل بینجامد.

۱. مبانی نظری استقلال شخصیت زن در اسلام

یکی از موضوعات بنیادین در مطالعات دینی و اجتماعی پیرامون زنان، مسأله استقلال شخصیت آنان در چارچوب آموزه‌های اسلامی است. برخلاف بسیاری از فرهنگ‌ها و نظام‌های حقوقی که تا قرون اخیر، زنان را فاقد شخصیت حقوقی مستقل تلقی می‌کردند، اسلام از آغاز بعثت پیامبر اسلام (ص)، نگاهی متمایز و پیشرو به زن داشته است. در این نوشتار، با تکیه بر منابع قرآنی، فقهی و تحلیل‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و فلسفی، ابعاد مختلف استقلال شخصیت زن در اسلام بررسی می‌شود.

۱.۱. تعریف استقلال شخصیت زن در اسلام

در نگاه اسلامی، استقلال شخصیت زن یعنی اینکه زن حق دارد مالک داشته‌های خودش باشد، خودش تصمیم بگیرد و مسئولیت کارها و انتخاب‌هایش را به عهده بگیرد. این مسئله ریشه در آموزه‌های قرآن دارد و نشان می‌دهد که زن از نظر شناخت و اراده کاملاً توانمند است و از نظر قانونی اهلیت دارد که حقوقش را بداند، استفاده کند و به‌کار ببرد. در این دیدگاه، زن یک انسان با حقوق ذاتی است، نه کسی که فقط تابع دیگران باشد یا اختیار نداشته باشد. این نگاه با بعضی دیدگاه‌های قدیمی در فرهنگ غربی فرق دارد که زن را به‌خصوص در خانواده، فردی بدون شخصیت حقوقی مستقل می‌دانستند. یکی از نکات مهمی که این اصل در قوانین اسلامی به همراه دارد، این است که زن مالک چیزهای خودش شناخته می‌شود، حق دارد کارهای قانونی انجام دهد و حتی در ازای خدمات خانگی‌اش می‌تواند پاداش بگیرد؛ البته این‌ها وقتی ممکن است که شرایط فقهی و حقوقی رعایت شود (رشاد، ۱۳۹۳، ص ۱۷۷).

از نظر روان‌شناسی هم اینکه زن بتواند مستقل باشد، باعث می‌شود احساس ارزشمندی بیشتری داشته باشد، توانایی‌اش در حل مشکلات و رسیدن به اهداف بالا برود و در نهایت رشد شخصی‌اش شکل بگیرد. این‌ها همه جزء مهم‌ترین عوامل سلامت روان به شمار می‌روند. زیبایی‌نژاد و سبحانی (۱۳۷۸، ص ۲۵) هم این موضوع را تأیید می‌کنند و می‌گویند استقلال شخصیت زن یعنی داشتن حق انتخاب و مسئولیت‌پذیری فردی که در فطرت انسان‌ها وجود دارد. آن‌ها زن را درست مثل مرد، خلیفه خدا روی زمین می‌دانند؛ یعنی کسی که نقش فعال و مسئول دارد و در کل نظام آفرینش جایگاه مهمی پیدا می‌کند. این تعریف می‌تواند پایه‌ای قوی باشد برای برنامه‌هایی که به توانمندسازی زنان در جوامع اسلامی کمک می‌کند و جایگاه آن‌ها را در اجتماع بهبود می‌بخشد.

در رابطه با استقلال شخصیتی دیدگاه های مختلفی وجود دارد از جمله دیدگاه انسان گرایانه آبراهام مزلو که در نظریه خودمختاری، آن را اینگونه تعریف می‌کند: «خودمختاری به معنای توانایی فرد در جهت‌گیری و عمل بر پایه تمایلات درونی، ساختار شخصیتی اصیل و طبیعت ذاتی خود اوست؛ به‌گونه‌ای که حتی در برابر نیروهای تحمیل‌شده از سوی فرهنگ، فشارهای اجتماعی و انتظارات محیطی نیز، شخص بتواند با اتکا به درک و تشخیص درونی خویش مقاومت کند و سلامت روانی و تمامیت وجودی خود را حفظ نماید.» (مزلو، ۱۹۵۴، ص ۹۴).

نظریه خودتعیینی دسی و رایان نیز می‌نویسند: «خودمختاری، احساس اختیار درونی است؛ یعنی فرد درک می‌کند منشأ رفتارهایش خواست و اراده‌ی خود اوست و حق انتخاب، آغازگری و تنظیم فعالیت‌هایش را دارد» (دسی و رایان، ۲۰۱۱، ص. ۷۵).

دیدگاه رشد روانی-اجتماعی اریکسون بیان می‌دارد: «خودمختاری، رشد حس کنترل شخصی بر مهارت‌های فیزیکی و احساس استقلال عملی است؛ کودک در این مرحله می‌آموزد بر رفتار و انتخاب‌های خود نظارت کند و اراده‌ی مستقل خویش را تجربه نماید» (اریکسون، ۱۳۸۰، ص. ۸۷).

دیدگاه فمینیستی اگزیتانسیالیستی سیمون دو بووار در تعریف استقلال زن می‌نویسد: «زن نباید در چارچوب نقش‌های تحمیلی تعریف شود، بلکه باید خود را سوژه‌ای آزاد و خالق سرنوشت خویش بشناسد؛ خودمختاری زن یعنی توانایی او در ساختن هویت خود فراتر از نسبت با مرد» (دو بووار، ۱۳۵۹، ص. ۴۵).

در میان نظریات بررسی‌شده، نظریه خودتعیینی دسی و رایان جامع‌ترین و کاربردی‌ترین چارچوب برای فهم استقلال شخصیتی زن است؛ زیرا با پژوهش‌های تجربی پشتیبانی می‌شود، استقلال را به‌عنوان یک نیاز اساسی روان‌شناختی معرفی می‌کند، راهکارهایی برای تقویت انگیزش درونی ارائه می‌دهد و قابلیت انطباق با چارچوب‌های فرهنگی و دینی را داراست (دسی و رایان، ۲۰۱۱، ص. ۷۸).

۲.۱ تفکیک حوزه‌های استقلال

- استقلال مالی

قرآن کریم در آیه «وَلِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲) به روشنی استقلال

در نهایت، با بازخوانی سیره و منش اهل بیت(ع)، می‌توان به الگویی تعاملی، مبتنی بر احترام متقابل، همدلی و مشورت دست یافت که هم اصالت دینی خود را حفظ کرده و هم با مقتضیات و نیازهای جوامع معاصر هماهنگ است. این الگوی تعادل‌بخش، با تأکید بر استقلال شخصیت زن در حوزه‌های مختلف، این استقلال را در قالب نظامی مسئولیت‌پذیر و ارزش‌محور تفسیر می‌کند و با اتکا به اصولی چون عدالت و کرامت ذاتی، به‌عنوان راهکاری نظری و عملی برای توانمندسازی زنان در جوامع اسلامی مطرح می‌شود. این مدل جامع می‌تواند پاسخی کارآمد و قابل قبول برای چالش‌های حقوقی و فرهنگی زمانه ما باشد و به تعمیق عدالت و انصاف در خانواده‌ها و جوامع اسلامی کمک کند.

بررسی انجام شده در این مقاله نشان داد که آموزه‌های اسلامی، به‌طور بنیادین، استقلال شخصیت زن را در ابعاد مالی، حقوقی و عبادی به رسمیت شناخته و او را موجودی صاحب اراده، مسئول و دارای کرامت ذاتی می‌داند. به رسمیت شناخته شدن مالکیت مستقل مالی، حق تصمیم‌گیری در امور شخصی و استقلال در رابطه مستقیم با خداوند، گواهی روشن بر این ادعاست. با این حال، در چارچوب خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، اسلام در پی ایجاد تعادل میان حقوق فردی و مسئولیت‌های جمعی است. شرطیت اذن شوهر در حوزه‌های محدودی مانند خروج از منزل (در شرایط عادی)، برخی تصرفات مالی اثرگذار بر نظام خانواده و اشتغالی که با مسئولیت‌های اصلی خانوادگی در تعارض باشد، نه با هدف نفی استقلال زن، بلکه با فلسفه حفظ نظم، امنیت و مصالح عالی خانواده وضع شده است.

تحلیل فلسفی این احکام بیانگر آن است که آن‌ها ریشه در مفاهیمی چون «قوامیت» به مثابه مسئولیت‌مداری و مدیریت، «عدالت» به معنای رعایت استحقاق‌ها و «مصلحت خانواده» دارند. مهم‌تر آنکه فقه پویای اسلامی با مکانیسم‌ها مانند «شروط ضمن عقد»، «اصل نفی عسر و حرج» و «تفسیر مصلحت‌محور»، ظرفیت لازم برای تطبیق این احکام با شرایط متحول اجتماعی را داراست. بنابراین، به‌جای تقابل‌سازی میان استقلال زن و احکام خانواده، باید به سمت الگویی تعادل‌بخش حرکت کرد که در آن، زن «مستقل در چارچوب مسئولیت» تعریف می‌شود؛ الگویی که هم از هویت فردی زن دفاع می‌کند و هم پایداری و آرامش نهاد خانواده را تضمین می‌نماید. این پژوهش بر ضرورت اجتهاد مستمر و بازخوانی شرایطی این احکام برای پاسخگویی به نیازهای زمانه تأکید می‌ورزد.

در نتیجه، می‌توان گفت که استقلال زن و قوامیت مرد، دو اصل متقابل نیستند، بلکه مکمل یکدیگر در چارچوب خانواده اسلامی محسوب می‌شوند. بازتعریف مفاهیم سنتی در پرتو اقتضائات زمان، تفاهم پیش از ازدواج، و نهادهای سازگفت‌وگو در خانواده، مهم‌ترین راهکارها برای تحقق این همزیستی منطقی هستند.

۱. آذربایجانی، مسعود و بیات، علی؛ برای نقل قول درباره «وابستگی نایمن»؛ [بی‌جا]: [بینا]، ۱۴۰۲.
۲. آیت‌اللهی، زهره؛ زن در نگاه فقه اسلامی؛ چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.
۳. امام خمینی، روح‌الله؛ تحریر الوسیله؛ جلد ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، ۱۴۰۸ق.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ [بی‌جا]: [بینا]، ۱۴۰۹ق.
۵. دسی، ادوارد ال. و رایان، ریچارد ام.؛ Handbook of Self-Determination Research؛ [بی‌جا]: [بینا]، ۲۰۱۱.
۶. دوبووار، سیمون؛ جنس دوم؛ ترجمه قاسم صنعوی، تهران: انتشارات طوس، ۱۳۵۹.
۷. رشاد، علی اکبر؛ دانشنامه فاطمی(س)؛ جلد ۴، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.
۸. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی؛ درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام؛ چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۷۸.
۹. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی؛ زن و بازیابی هویت؛ چاپ اول، قم: پژوهشکده زن و خانواده، ۱۳۷۸.
۱۰. زیدان، عبدالکریم؛ حقوق و تکالیف زن در اسلام؛ ترجمه سهیلا رستمی، چاپ اول، تهران: انتشارات احسان، ۱۳۸۸.

۱۱. صانعی، یوسف؛ استفتائات؛ جلد ۳، قم: مرکز فقهی، [بی‌تا].
۱۲. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه؛ برای تحلیل «قوامیت مرد و ارتباط آن با انفاق»؛ [بی‌جا]: [بینا]، ۱۳۸۳.
۱۳. فروم، اریش؛ هنر عشق ورزیدن؛ ترجمه پوری سلطانی، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۱.
۱۴. مزلو، ابراهام اچ؛ انگیزش و شخصیت؛ ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۱۵. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ چاپ اول، تهران: مجله زن روز، ۱۳۵۳.
۱۶. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۲.
۱۷. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ استفتائات؛ جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، [بی‌تا].
۱۹. میرنظامی، خدیجه‌سادات؛ «تفکیک اذن لازم و کافی و اشاره به چالش محدودیت فرصت‌ها»؛ فصلنامه مطالعات اسلامی زن و خانواده، شماره ۸، ۱۳۹۶.
۲۰. نجفی، زین‌العابدین؛ «خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه»؛ فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۴۵، شماره ۲، ۱۳۹۱.
۲۱. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای.
۲۲. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سبحانی.
۲۳. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی.

۲۴. خبرگزاری تسنیم؛ «استثنای طلاق رجعی»؛ ۲۱ مرداد ۱۴۰۲.